

شناسایی و پیشگیری از فرصت‌های وقوع جرم سازمان یافته در بازار بین‌المللی عتیقه‌جات

نگارنده:

دکتر سیمون مکنزی*

ترجمه:

بهاره قانون**

چکیده:

شورای مشورتی علمی و حرفه‌ای بین‌المللی سازمان ملل متحد در برنامه‌ای تحت عنوان «برنامه پیشگیری از جرایم و عدالت کیفری» در دسامبر ۲۰۰۸ در کشور ایتالیا مبادرت به برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی تحت عنوان «جرایم سازمان یافته در حوزه آثار هنری و عتیقه» نمود. ماحصل این کنفرانس انتشار یازده مقاله به صورت یک کتاب تحت همین نام توسط شورای مذکور و با ویراستاری استفانو ماناکوردا*** بود.

مقاله پیش‌رو یکی از مجموعه مقالات ارائه و منتشر شده در این کنفرانس می‌باشد که علاوه بر موضوع و ارکان جرم سازمان یافته در حوزه آثار هنری و عتیقه، به بررسی انتقادی قانون کیفری مصوب ۲۰۰۳ در کشور انگلستان به نام «قانون تجارت اشیاء فرهنگی» که به منظور پیشگیری و مجازات جرایم مذکور تصویب گردید، می‌پردازد. استفاده از تجربه‌های قانونگذاری و عملی کشور انگلستان که سال‌ها مورد بررسی میدانی نگارنده مقاله بوده و رویکردهای متعددی که در مقاله حاضر معرفی شده‌اند، می‌توانند جهت مقابله با وقوع این دسته از جرایم در کشورمان که سرشار از آثار باستانی و تاریخی ارزشمند است، راهگشا باشد.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۸
صفحه ۳۱۵-۳۳۰، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۳

* استاد جرم‌شناسی دانشگاه ویکتوریای ولینگتون، پژوهشگر در مرکز پژوهش‌های جرم و عدالت دانشگاه

Email: mackenzie@vuw.ac.nz

گلاسگو اسکاتلند

** کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: bahareghanoon@ut.ac.ir

*** Stefano Manacorda.

کلیدواژه‌ها:

حمایت کیفری از اموال فرهنگی، جرایم بین‌المللی سازمان‌یافته، بازار مجرم، سرقت اموال فرهنگی، جرایم علیه عتیقه‌جات.

مقدمه: بازار به‌عنوان مجرم و مجرمین در بازار

چه رابطه‌ای بین جرم سازمان‌یافته و بازار عتیقه‌جات وجود دارد؟ می‌توان اصطلاح «جرم سازمان‌یافته» را در مورد دو مفهوم به کار برد. تقریباً قابل قبول است که گفته شود بازار بین‌المللی عتیقه‌جات قاچاق به میزان قابل توجهی یک بازار مجرم است که با ساختاری از روابط بین سارقین، قاچاقچیان، تسهیلگران، فروشندگان و خریداران کالاهای قاچاق سازمان‌دهی شده است و بنابراین بخش قاچاق معاملات، خود (به‌عنوان یک بازار مجرم) نمونه‌ای از جرم سازمان‌یافته است. این استدلال می‌تواند بدون ارجاع به حضور مجرمین سازمان‌یافته در بازار به‌معنای کلیشه‌ای و معمول کلمه کاربرد داشته باشد؛ یعنی در مفهومی که گروه‌ها یا شبکه‌های مجرمین حرفه‌ای در به‌دست آوردن سود مالی غیرقانونی از خشونت و تقلب استفاده می‌کنند. گرایش من به سمت این دیدگاه از بازار عتیقه‌جات است که آن را به‌عنوان نمونه‌ای از جرم سازمان‌یافته صرف می‌شناسد و بنابراین مطرح شدن رویکرد «طیفی از شراکت» را موجه می‌سازد. بر اساس این رویکرد، تجارت جهانی همیشه کم‌وبیش یا (در دو سوی طیف) قانونی و غیرقانونی یا اخلاقی و غیراخلاقی محسوب می‌گردد.^۱ با این حال، گزارش‌های بسیاری نیز وجود دارند مبنی بر اینکه معاملات با عتیقه‌جات به‌عنوان مکانیزم پولشویی برای درآمد‌های ناشی از موادمخدر استفاده می‌شوند، بدان دلیل که این معاملات با دیگر بازارهای بین‌المللی قاچاق مرتبط هستند و نیز بدان دلیل که به‌عنوان منبع نهایی زنجیره عرضه واقع شده‌اند و در حمل‌ونقل بین‌المللی تاحدی توسط فساد بوروکراتیک و سیاسی داخلی، ارتش دولتی، دیگر نیروهای شبه‌نظامی در دولت‌های متخاصم و گروه‌هایی که به‌طور کلیشه‌ای معروف به ارتکاب جرایم سازمان‌یافته هستند، مانند سازمان‌های مافیایی در روسیه، ایتالیا و چین تحت تصرف درآمده‌اند؛ بنابراین ما از یک طرف این استدلال را داریم (که به‌نظر استدلال خوبی است) که بازار بین‌المللی قاچاق حتی بدون توجه به این نوع مجرمیت سازمان‌یافته، صرفاً به‌واسطه ماهیت بازار سازمان‌یافته و این واقعیت که بسیاری از این

1. D.C. Smith JR., "Paragons, Pariahs and Pirates: A Spectrum-based Theory of Enterprise." *Crime and Delinquency* (1980): 358-86, <https://doi.org/10.1177/001112878002600306>.

معاملات، مطابق قوانین کیفری حوزه قضایی محل انعقاد، غیرقانونی هستند، یک نمونه از جرایم سازمان‌یافته تلقی می‌گردند؛ اما از سوی دیگر این پرسش نیز مطرح است که آیا انواع مختلف «مجرمین سازمان‌یافته» در مفهوم معمول خود، درون بازار عمل می‌کنند و اگر این‌طور است در چه نقاطی و به چه نحوی.

در این مقاله سعی خواهد شد که هر دو مسئله موردبررسی قرار گیرند - مسئله «بازار به‌عنوان مجرم» و مسئله «مجرمین در بازار» - با تأکید بر این استدلال که یکی از راه‌حل‌های کلیدی مداخله جهت کاهش جرم که در کشورهای بازار [مصرف‌کننده] مانند انگلستان وجود دارد، از طریق کنترل کردن تقاضا برای عتیقه‌جات قاچاق در چهارچوب صلاحیت این کشورهاست. مشکل اصلی در انگلستان و همچنین دیگر کشورهای بازار مثل ایالات‌متحده این است که تجارت غیرقانونی عتیقه‌جات، در فضای روابط تجاری داخلی و جهانی شکل می‌گیرد که بخشی از بنیادی‌ترین ساختار بازارهای رسمی و غیررسمی هستند که در یک دیدگاه نسبتاً ساده به فعالیت ادامه می‌دهد و بنابراین تا حدی عادی شده که علقه‌های سازمان‌یافته‌شان با تخلف‌های زیرزمینی یا غیراخلاقی، به‌طور مؤثری ناپدید شده باشد.

بنابراین، در این مقاله مشکل حضور عتیقه‌جات مسروقه در بازار موردتدقیق قرار می‌گیرد و همچنین مسئله فرصت‌های ورود شبکه‌ها و گروه‌های جرم سازمان‌یافته به زنجیره عرضه بازار مورد اشاره خواهد بود. به‌جای بررسی کلی تمام پاسخ‌های بین‌المللی که در حوزه سیاست کیفری مطرح شده‌اند، بر یک پاسخ سیاسی که در حین تحقیقات چند سال اخیر با آن مواجه بوده‌ام، تمرکز خواهم نمود؛ بنابراین، نمای کلی آنچه که قرار است در ادامه بیاید به‌شرح زیر خواهد بود:

- بررسی مختصر مقدمه قانون کیفری اخیر انگلستان که حاکی از ممنوع کردن معامله عتیقه‌جات قاچاق در حوزه صلاحیت خویش است؛
- معرفی ایده مطالعات «آسیب‌پذیری اجزاء»^۲ در ارتباط با جرم سازمان‌یافته و به‌کار بردن این روش به‌عنوان یک چهارچوب برای تحلیل بازار بین‌المللی عتیقه‌جات؛
- موردتوجه قرار دادن مسائل پیشگیری از جرم بازارمحور که توسط «رویکرد آسیب‌پذیری اجزاء» ایجاد شده؛ و

۲. منظور اجزای مختلف بازار است.

- اشاره کردن به این موضوع که آن نوع از پاسخ‌های سیاسی کیفری که چنین تحلیلی از آسیب‌پذیری اجزاء به آن پیشنهادهایی در ارتباط با کاهش فرصت‌های جرم سازمان یافته در بازار می‌دهد، به‌طور گسترده همانند پاسخ‌هایی است که تصور می‌شود برای پاکسازی بازار عتیقه‌جات مسروقه به‌طور کلی‌تر مورد نیاز است.

۱- مجرمانه کردن بازار عتیقه‌جات مسروقه در انگلستان

مطالعات من درباره عناصر مجرمانه بازار عتیقه‌جات از طریق مصاحبه با معامله‌گران سراسر دنیا در ارتباط با اعمال تخلف‌آمیزشان آغاز شد. آنها از انواع مختلف تکنیک‌های خنثی‌سازی جرم‌شناسی برای تصدیق و موجه کردن مشارکشان در بازاری استفاده می‌کنند که می‌دانند اشیاء قاچاق در آن جریان دارد.^۳ در زمان پایان تحقیقات، در دسامبر ۲۰۰۳، انگلستان قانون تجارت اشیاء فرهنگی (جرایم) ۲۰۰۳ را تصویب کرد، این قانون یک هدف اصلی عملیاتی داشت و آن ایجاد یک جرم کیفری جدید در انگلستان بود. بخش ۱ این قانون درجایی که شخص به‌طور متقلبانه یک شیء فرهنگی مشکوک را با علم به اینکه آن شیء مشکوک است، معامله می‌کند، محکومیت به تا هفت سال زندان و یا جریمه نقدی را پیش‌بینی نموده است.

طبق بخش ۲ قانون، یک شیء فرهنگی «مشکوک است» چنانچه حفاری شده یا از یک بنای تاریخی یا هر ساختمان یا ساختار دارای ارزش تاریخی، معماری یا باستانی برداشت شده باشد و چنین حفاری یا برداشتی یک تخلف را موجب گردد. مقرر گردیده است که مکان حفاری یا برداشت، چه در انگلستان یا خارج از آن اتفاق افتاده باشد، فاقد اهمیت است؛ بنابراین تأثیر مدّ نظر این قانون مجرمانه کردن (و به‌طور ضمنی جلوگیری از) معامله یا تملک عالمانه عتیقه‌جات مسروقه در انگلستان است، خواه در انگلستان به سرقت رفته باشد خواه خارج از انگلستان.

من و همکارم پنی گرین^۴، استاد حقوق دانشگاه کینگز لندن، توسط شورای تحقیقات اجتماعی و اقتصادی انگلستان، بودجه هدایت یک تحقیق کیفی از واکنش بازار انگلستان به تصویب این قانون را دریافت نمودیم که در آن مجدداً بر مصاحبه با معامله‌گران مهم و دیگر خریداران مانند موزه‌ها، تأکید شد. روش تحقیقی که در این مطالعات اتخاذ شد، تلاش بر وارد

3. Simon Mackenzie, *Going, Going, Gone: Regulating the Market in Illicit Antiquities* (Leicester: Institute of Art and Law, 2005).

4. Penny Green.

نمودن یک تفسیرگرایی علمی اجتماعی در بررسی تجارت عتیقه‌جات قاچاق بود؛ با تمرکز بر مستندسازی فرایندهای خریدوفروش و جهان‌بینی معامله‌گران و کلکسیونرها در کشورهای بازار که تقاضای اشیای مسروقه را تأمین می‌کنند. نتایج این پروژه در دسترس است و در اینجا تنها خلاصه‌ای از یافته‌های جالب‌تر مطرح می‌گردد. مجموعه‌های کامل‌تر داده‌های مصاحبه‌ها را می‌توان در کتاب‌های مربوط به نتیجه اولین مجموعه مصاحبه‌ها^۵ و ارزیابی قانونی^۶ یافت نمود.

طی یک نظرسنجی و تعدادی مصاحبه جامع و کامل با پاسخ‌دهندگان در بازار عتیقه‌جات لندن جهت تعیین واکنش بازار به تصویب قانون ۲۰۰۳، به‌طور کلی یافته‌های زیر به‌دست آمد:

- با وجود اینکه بیشتر پاسخ‌دهندگان، از تصویب قانون ۲۰۰۳ آگاهی داشتند، تنها تعداد کمی از پاسخ‌دهندگان بر این عقیده بودند که متوجه تغییراتی در جریان تجارت شده‌اند که می‌تواند به‌عنوان یک پاسخ سازنده به قانون در نظر گرفته شود؛
- به‌همین ترتیب، تنها بخش کوچکی از پاسخ‌دهندگان بیان کردند که قانون منجر به تغییر روتین خریدوفروششان خواهد شد و در بسیاری از این موارد تغییر برنامه‌ریزی‌شده، بیشتر صوری بود تا اینکه دارای ماهیت واقعی باشد؛
- این مسئله مورد تصدیق بود که درجایی که تغییراتی در جریان خریدوفروش اتفاق افتاده، احتمالاً این تغییرات به‌طور کامل تظاهری بودند؛
- این حس کلی وجود داشت که بازار عتیقه‌جات از طرف قانونگذاران، روزنامه‌نگاران و افکار عمومی مورد انتقاد قرار گرفته است؛
- معامله‌گران، (بعضی از) موزه‌ها، کلکسیونرها و مقامات رسمی مانند دپارتمان فرهنگ، رسانه و ورزش انگلستان همگی این طرز تفکر را پذیرفته‌اند که بازار از معامله‌گران «قانونی» و «غیرقانونی» تشکیل شده است و بنابراین اگر همه «مهره‌های فاسد» حذف گردند، بازار «قانونی» می‌تواند بدون مانع عمل کند و خطر نقض هیچ قانون کیفری ملی وجود نخواهد داشت.

5. Ibid.

6. S. Mackenzie, and P. Green, "Criminalising the Market in Illicit Antiquities: an Evaluation of the Dealing in Cultural Objects (Offences) Act 2003 in England and Wales," in *Criminology and Archaeology: Studies in Looted Antiquities*, S. Mackenzie and P. Green (eds) (Oxford: Hart, 2009)

این گزاره غلط است. تصور وجود بازار قانونی بدان دلیل غلط است که بهترین تعریف از بازار عتیقه‌جات، معرفی آن به‌عنوان یک بازار خاکستری می‌باشد.^۷ اشیاء غیرقانونی از طریق تجارت «قانونی» منتقل می‌شوند و بنابراین هر توجه قانونگذارانه‌ای که به این اشیاء معطوف می‌گردد به‌جای اینکه از طریق حذف رقبای «غیرقانونی» از معامله‌گران «قانونی» حمایت کند، به‌طور مستقیم بر تجارت به‌طور کلی تأثیر می‌گذارد.

مسئله پاسخ‌های صوری (به‌جای پاسخ‌های دارای ماهیت واقعی) به الزامات قانونی صوری مسئله‌ای است که توسط ماکس وبر^۸ موردتوجه قرار گرفته و به‌عنوان یک مسئله در رشته جرم‌شناسی باقی مانده است و اخیراً در مشاهدات دورن مکبرنت^۹ بر «پذیرش فعال» و «انطباق خلاقانه» در پاسخ‌های شرکت‌ها و یقه‌سفیدها به مقررات مطرح گردیده است.^{۱۰} درجایی که اخلاق کسب‌وکار ارتباطی قوی با روح قانون ندارد، احتمال آن می‌رود که پاسخ‌های صوری به‌وجود بیایند و به‌جای اینکه عمل مجرمانه را حذف کنند صرفاً از مستندات و دیگر فعالیت‌های روزمره برای مبهم نمودن فعالیت خود استفاده می‌کنند. این امر در بازار عتیقه‌جات مشهود است:

«من در بازار هستم، دیده‌ام که تغییراتی اتفاق افتاده است. حتی زمانی که با دوستانم معامله می‌کنم به آنها خواهم گفت «خب پس منشأ چه می‌شود؟» درحال حاضر همه این مسئله را عنوان می‌کنند. «منشأ آن را می‌شناسی؟» چون اگر یک منشأ خوب قابل اثبات داشته باشد، کمک زیادی می‌کند. به فروش آن کمک می‌کند؛ و در بسیاری از موارد به من خواهند گفت: «نه واقعاً؛ من آن را از یک معامله‌گر خریدم» و این برای من کافی است. چون من به نحوه خرید آنها اعتماد دارم و من هم به آنها همین حرف را خواهم زد.^{۱۱}

ظاهراً معامله‌گران از واقعیت مسئله عتیقه‌جات قانونی آگاهی ندارند. در مطالب دیگر نیز این موضوع مطرح شده است^{۱۲} که علی‌رغم اهمیت بالایی که به موارد سطح بالای قاچاق در

7. K. Polk, *The Antiquities Trade Viewed as a Criminal Market* (Hong Kong Lawyer, 2000), 82; B.A. Bowman, "Transnational Crimes against Culture: Looting at Archaeological Sites and the 'Grey' Market in Antiquities," *Journal of Contemporary Criminal Justice* (2008): 225-42.

8. Max Webber.

9. Doreen Mcbarnet.

10. D. Mcbarnet, *When Compliance is Not the Solution but the Problem: from Changes in Law to Changes in Attitude (Taxing Democracy: Understanding Tax Avoidance and Evasion)* (Aldershot: Ashgate, 2003); D. Mcbarnet, "After Enron will 'Whiter than White Collar Crime' Still Wash?," *British Journal of Criminology* 46(6) (2006): 109, DOI: 10.1093/bjc/azl068.

۱۱. معامله‌گر لندن، بررسی ۲۰۰۵.

12. Simon Mackenzie, *Going, Going, Gone: Regulating the Market in Illicit Antiquities*, op.cit. 2005.

رسانه‌ها داده می‌شود و نتیجتاً امکان مطالعه موردی واضح از قاچاق عتیقه‌جات مسروقه فراهم می‌گردد، این موارد باید در پیش‌زمینه یک بازار دیده شوند که به‌طور روزمره برای گردش عتیقه‌جات قاچاق به شیوه‌های تقریباً غیرقابل توجه، عمل می‌کند. بر اساس قانون مصوب ۲۰۰۳، علاوه بر مخالفت با پذیرش پیشنهادهای درمورد کالاهایی که به‌وضوح قاچاق هستند، برای موفقیت در پاکسازی بازار باید معامله‌گران را ملزم نمود تا اقدامات جدی برای بررسی اشیائی که به‌طور معمول خریداری می‌کنند، از منابعی که قبلاً فرض بر «قابل اعتماد بودنشان» بوده است، انجام دهند. در مطلبی دیگر به‌طور مفصل به «رویکرد کاهش بازار»^{۱۳} برای گشودن بازارهای کالاهای مسروقه پرداخته شده است^{۱۴}، اما در اینجا لازم به ذکر است که این رویکرد پیش‌بینی می‌کند که اختلال عدم‌بازتاب‌پذیری معمول در دیدن خود در جایگاه خریدار و به‌عنوان بخش مولد زنجیره عرضه کالاهای قاچاق است که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر زنجیره عرضه داشته باشد و می‌توان اضافه نمود که در بازار عتیقه‌جات، عدم‌بازتاب‌پذیری معمول، خود را مانند فرضی نشان می‌دهد که معامله در بازار باز برابر است با معامله قانونی اشیائی که مشکوک نیستند. در پرتو شواهدی که از فروشندگان در بازار باز درمورد عمق بررسی منشأ اشیاء (یا عدم‌بررسی آن به‌طور کلی) وجود دارد، به‌نظر می‌رسد این اعتماد به بازار باز نادرست باشد.

در نظر گرفتن بازار عتیقه‌جات به‌عنوان یک بازار خاکستری این واقعیت را دربرمی‌گیرد که گردش اشیاء قانونی و غیرقانونی درهم آمیخته است و بنابراین به‌جای اینکه بازار به‌گونه‌ای باشد که در آن تجارت قانونی به‌صورت علنی باشد و تجارت غیرقانونی، غیرعلنی و محرمانه، تجارت قانونی علنی به‌دلیل گردش عتیقه‌جات قاچاق در بازار به رنگ خاکستری آلوده می‌شود. ویژگی یک بازار خاکستری این است که معامله‌گرانی که خود را «قانونی» توصیف می‌کنند و برخی اوقات (معمولاً به‌طور علنی) نگرانی خود را درمورد اثرات هنری مسروقه در بازار اظهار می‌کنند، در مکان‌های غیرعلنی به‌طور شگفت‌آوری از مسئله کالاهای مسروقه راضی هستند. در بازاری که بدون انتقال جدی منشأ عمل می‌کند، چنین معامله‌ای، به‌عنوان یک ریسک استاندارد دیده می‌شود و علی‌رغم جرم‌انگاری در قانون ۲۰۰۳ انگلستان، به همین گونه باقی خواهد ماند:

13. MRA.

14. M. Sutton, *Handling Stolen Goods & Theft: A Market Reduction Approach* (Home Office Research Study, 1998), 178; M. Sutton, J. Schneider, and S. Hetherington, *Tackling Theft with the Market Reduction Approach* (Crime Reduction Research Series, 2001).

«خب، کالاهای مسروقه، بله باید اینجا باشند. ممکن است در طول زمان ۱۰ درصد سهام من به سرقت رفته باشد ... نمی‌دانم، اما اگر آن قدر هم بالا بود من تعجب نمی‌کردم ... چه در چین به سرقت رفته یا هر جای دیگر، شما که نمی‌دانید.»^{۱۵}

در طرح و اجرای قانون مصوب ۲۰۰۳ مشکلات مختلفی دیده شده است. بسیاری از آنها احتمالاً به شناخته‌شده‌ترین مشکل در قانون‌گذاری بین‌المللی تجارت عتیقه‌جات قاچاق ارتباط دارند؛ یعنی مشکل اثبات مبدأ و پیشینه انتقال یک اثر هنری که به‌طور مخفیانه حفاری شده و احتمالاً به‌طور غیرقانونی صادر شده است. علی‌رغم این مسائل اثباتی که موانع معمول اقدام قانونی هستند و برای همه مفسرین بازار آشنا هستند، این مشکلات در قانون مصوب ۲۰۰۳ باقی ماندند؛ مثلاً در ماده مربوط به عطف به‌ماسبق نشدن آن که مستلزم آن است که دادستان‌های انگلستان مدرکی درمورد تاریخ به سرقت رفتن شیء داشته باشند (البته سرقت در اینجا شامل موارد بسیاری می‌گردد که شیء به‌طور غیرقانونی حفاری شده یا از جای خود که بخشی از یک بنای تاریخی یا دیگر ساختارهای حفاظت شده است، منتقل شده باشد). همچنین قانون در تعریف خود از «مشکوک»، اشیائی را که به‌طور غیرقانونی صادر شده‌اند، دربر نمی‌گیرد. این امر مسئله‌ساز است زیرا اشیاء مسروقه اغلب به‌طور غیرقانونی صادر نیز می‌شوند و معمولاً اثبات صادرات غیرقانونی آنها از اثبات سرقت اولیه ساده‌تر است؛ بنابراین توجه فزاینده به صادرات غیرقانونی می‌تواند مکانیزمی برای توقیف برخی اشیاء مسروقه‌ای باشد که باتوجه به قانون کنونی به‌عنوان ادله در دسترس دادگاه انگلستان واقع نمی‌گردند.

اما مشکل اصلی قانون مصوب ۲۰۰۳، الزام برای داشتن آگاهی یا علم به وضعیت مشکوک شیء مورد بحث است. تمام منتقدان بازار اتفاق نظر دارند که این عبارت‌پردازی باعث تضعیف پیام اساسی می‌شود و آن پیام این است که احتیاط لازم مؤثر در ارتباط با منشأ شیء باید به جزء ضروری در هر یک از معاملات عتیقه‌جات تبدیل گردد. همان‌طور که دستورالعمل دپارتمان فرهنگ، رسانه و ورزش بیان می‌دارد:

«بار اثبات آگاهی یا علم به اینکه یک شیء مشکوک است برعهده دادستانی است و اثبات باید فراتر از شک معقول باشد. این بدان معناست که شکست متهم در انجام کنترل‌های مناسب درمورد منشأ یک شیء، معیار آگاهی یا علم را محقق نمی‌سازد.»^{۱۶}

۱۵. معامله‌گر لندن، بررسی ۲۰۰۷.

۱۶. دپارتمان فرهنگ، رسانه و ورزش ۲۰۰۴: ۸.

این شکست بزرگ قانون مصوب ۲۰۰۳ برای شرکت‌کنندگان در بازار شناخته شده است. به دلیل «شامل و مانع نبودن» که منجر به عدم اجرای کامل قانون از زمان لازم‌الاجرا شدن آن شده است، مسئله اثبات حتی به‌عنوان یک نوع خنثی‌سازی «پیشگیرانه» برای رویکرد کاهش بازار در قانون مصوب ۲۰۰۳ عمل می‌کند؛ به این شکل که بر اساس آن همچنان احتمال کمی وجود دارد که نگرهبانان توانا^{۱۷} در زنجیره عرضه، رفتار مشکوک را گزارش دهند. پژوهش ما به این نتیجه رسیده است که رایج‌ترین واکنش اشخاص باوجدان درمقابل پیشنهاد‌های مشکوک این است که به‌جای گزارش رفتار مشکوک به پلیس، صرفاً خرید آن شیء را رد می‌نمایند. پس حتی در میان باوجدان‌ترین معامله‌گران، به‌جای این حس که هرکدام به‌طور انفرادی در پاکسازی بازار به‌طور کلی‌تر همکاری کنند، فرهنگ محافظت از خود وجود دارد.

شواهد قابل‌ملاحظه‌ای از فرهنگ «نپرس و نگو» در ارتباط با منشأ در بازار عتیقه‌جات به‌دست آمده است. وجود فرهنگ نادیده گرفتن مبدأ اشیاء یک کشف تازه نیست، بلکه تقریباً در تمام ادبیات بازار قاچاق مطرح شده است. درحال حاضر نپرسیدن سؤال درباره منشأ، توسط قانون مصوب ۲۰۰۳ و دستورالعمل‌های دپارتمان فرهنگ، رسانه و ورزش به‌عنوان یک استراتژی منطقی برای معامله‌گری تثبیت شده است که می‌خواهد عتیقه‌جات را خریداری کند اما نمی‌خواهد ریسک تحت تعقیب قانونی قرار گرفتن به اتهام معامله اشیاء فرهنگی مشکوک را بپذیرد؛ اما آنچه اکنون نسبتاً درحال بررسی شدن و مربوط به این کنفرانس است، این ایده است که وجود جرم سازمان‌یافته در بازار، خود، چیزی است که معامله‌گران به‌علت ترس نمی‌خواهند درمورد آن جستجو کنند. داستان‌های مربوط به جرم سازمان‌یافته، خواه درست باشد خواه نباشد، به مشکل بی‌میلی معامله‌گران برای پرسیدن سؤالات مهم و از نظر فرهنگی ناهنجار درباره منشأ دامن می‌زنند. این مطلب را در سخنان یک معامله‌گر برجسته لندن ببینید:

«مردم در هنگ کنگ به شما [درمورد منشأ] چیزی نمی‌گویند، زیرا افرادی که کالاها را به خارج از چین قاچاق می‌کنند، آن نوع افرادی نیستند که شما بخواهید درمورد منشأ با آنها صحبت کنید. زمانی که من درباره اشیاء غیرعادی پرسیده‌ام: «آیا دادداشت مربوط به حفاری

17. L.E. Cohen, and M. Felson, "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach," *American Sociological Review* 44(4) (1979): 588-608; M. Felson, *Crime and Everyday Life* (Pine Forge Press, 1994).

آن وجود دارد؟ می‌توانید مبدأ این شی را پیدا کنید؟ عالی می‌شود اگر بدانم.» آنها فقط می‌گویند: «شما نباید این سؤالات را بپرسید؛ شما نباید شهرت شخصی را پیدا کنید که سؤال می‌پرسد.» این من نبودم که این صحبت را کردم؛ این چیزی است که آنها می‌گویند. اگر شما یک معامله‌گر در هنگ‌کنگ باشید احتمالاً سرنوشت شما این خواهد بود.^{۱۸}

۲- بازار عتیقه‌جات، آسیب‌پذیری اجزاء و جرم سازمان‌یافته

در مطالعات تجربی من در مورد بازار عتیقه‌جات، تنها با شواهد محدودی از حضور جرم سازمان‌یافته در بازار مواجه شده‌ام. این امر شاید ناشی از روش‌های خاص پژوهش که من و یا جامعه آماری که من روش‌ها را بر آنها به کار بستم باشد که به‌طور کلی عبارت است از اینکه شاید معامله‌گران در انتهای زنجیره عرضه بازار، نسبت به تمام شرکت‌کنندگان در بازار کمترین اطلاع را از وجود جرم سازمان‌یافته داشته باشند؛ به‌خصوص اگر این جرم در نقاط اولیه زنجیره عرضه وجود داشته باشد و اگر آنها اطلاعی از وجود چنین جرمی داشته باشند، احتمالاً غیرمعمول است و در نتیجه دقیقاً همان نوع «واقعی» است که آنها گرایش به نادیده گرفتن یا خشی کردن آن را دارند، زیرا به‌طور کلی تمایل دارند بازار را به‌عنوان یک جایگاه قانونی تجارت در نظر گیرند.

در غیاب شواهد دست اول درباره شرکت کردن شبکه‌ها و گروه‌های جرم سازمان‌یافته در بازار، یک رویکرد مفید برای پاسخ دادن به این سؤال که آیا رابطه‌ای بین گروه‌های جرم سازمان‌یافته و عتیقه‌جات وجود دارد یا نه، سعی در یکی کردن رویکرد «آسیب‌پذیری اجزاء» با یک رویکرد بازارمحور پیشگیرانه جرم است تا یک طرح کلی از مدلی ارائه دهد که می‌تواند نشان دهد:

- آیا بازار عتیقه‌جات در مقایسه با بازارهای دیگر کالاها، به‌طور خاص نسبت به جرم سازمان‌یافته آسیب‌پذیر است؟؛ و
 - چه اقدامی می‌تواند برای کاهش جذابیت بازار برای جرم سازمان‌یافته انجام شود.
- با در نظر گرفتن رویکردهای «آسیب‌پذیری اجزاء» نسبت به جرم سازمان‌یافته، دو رویکرد به‌نظر مفید می‌رسند: رویکرد تام و ندر بکن در بلژیک و رویکرد جی آلبانیز در

آمریکا.^{۱۹} مدل وندر بکن شامل فاکتورهای بسیار بیشتری می‌شود که ممکن است آن را به‌عنوان یک ابزار برای شناسایی آسیب‌پذیری اجزاء، دقیق‌تر سازد اما از طرف دیگر آن را به‌عنوان وسیله‌ای چه برای استفاده معمول توسط تحلیلگران پلیس و چه به‌منظور بررسی مقاله‌ای مختصر برای کنفرانسی درمورد آسیب‌پذیری اجزای بازار عتیقه‌جات، پیچیده می‌کند. به‌لحاظ رویکردهای پیشگیرانه به جرم سازمان‌یافته، من به کار هنک وندبانت و کتیلین وندراسکوت روی آورده‌ام^{۲۰} و آن را در کنار رویکرد کاهش بازار از مایک ساتون و همکاران^{۲۱} موردتوجه قرار داده‌ام.

رویکرد ارزیابی ریسک که توسط استدلال‌گرانی چون وندر بکن و آلبانیز پیشنهاد شده است، پذیرش دانش فعلی درمورد مجرمان سازمان‌یافته را به‌عنوان موضوع موردتمرکز خود رد می‌کند. این نویسندگان به‌جای توجه به عناوین یا تمرکز بر گروه، تمرکز بر شناسایی بازارها و محصولات پرخطر را تشویق می‌کنند. همان‌طور که آلبانیز می‌گوید: «به‌عبارت‌دیگر، اگر بازارها و محصولات پرخطر به‌درستی شناسایی گردند، خواهی دانست که کجا به‌دنبال مجرمان بگردی.»^{۲۲} این نکته این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا بخش عتیقه‌جات می‌تواند به‌عنوان یک بازار پرخطر محسوب، یا به‌عنوان معامله محصولات پرخطر در نظر گرفته شود. دانش عمیق از ساختارهای آن بازار این امکان را می‌دهد تا نقاطی را در زنجیره انتقال شناسایی نمود که باید در آنها به‌دنبال مجرمان گشت.

در مدل آلبانیز، چهار متغیر، اساس پیش‌بینی بازار را که موجب ارتکاب به جرم سازمان‌یافته می‌گردد، دربرمی‌گیرند: عرضه، تقاضا، مقررات و رقابت. فاکتورهای عرضه مربوط به دسترس‌پذیری محصول و سهولت انتقال هستند؛ فاکتورهای تقاضا شامل سطح تقاضا می‌شود و اینکه آیا این سطح انعطاف‌پذیر است یا انعطاف‌ناپذیر؛ فاکتورهای رقابت شامل سطوح سودآوری می‌شود که توسط رقابت آزاد محدود خواهد شد؛ و فاکتورهای مقررات شامل سهولت ورود به بازار، مهارت‌های خاص موردنیاز، ظرفیت اجرایی قانون و سطوح فساد در میان مقامات رسمی عمومی می‌شود.

19. T. Vander Beken, and M. Defruytier, *Methodological Tools for Assessing the Risk of Organized Crime* (Wolf Legal Publishers, 2004); J.S. Albanese, "Risk Assessment in Organized Crime: Developing a Market and Product-based Model to Determine Threat Levels," *Journal of Contemporary Criminal Justice* 24(3) (2008): 263-73.

20. H.G. Van De Bunt, and Van Der Schoot, *Prevention of Organized Crime: A Situational Approach* (Den Haag: WODC, 2003).

21. Sutton and Others, *Tackling Theft with the Market Reduction Approach*, op.cit.

22. Albanese, "Risk Assessment in Organized Crime: Developing a Market and Product-based Model to Determine Threat Levels," op.cit. 269.

پس مدل حاوی ده فاکتور که آلبانیز طراحی کرده است، بدین صورت خواهد بود:

شاخص‌های عرضه

۱. دسترسی‌پذیری عینی محصول یا خدمات؛

۲. سهولت انتقال / فروش؛

شاخص‌های مقررات

۳. سهولت ورود به بازار از طریق مقررات و مهارت‌های مربوطه؛

۴. ظرفیت اجرایی قانون و صلاحیت؛

۵. سطح فساد دولت محلی؛

شاخص‌های رقابت

۶. تاریخچه جرم سازمان یافته در بازار؛

۷. سودآوری؛

۸. آسیب؛

شاخص‌های تقاضا

۹. تقاضای مشتری فعلی برای محصول؛

۱۰. ماهیت تقاضا - انعطاف‌پذیر یا انعطاف‌ناپذیر.

در این مقاله، این رویکرد مورد استفاده است تا نشان داده شود که بازار عتیقه‌جات، به لحاظ فرصت‌های موجود برای مجرمان سازمان یافته، یک بازار پرخطر است. لازم به ذکر است که هرچند تحلیل کنونی، شکل بررسی نقاط ضعف اصلی بازار را به خود می‌گیرد که به عنوان بخشی از یک ساختار تاریخی دیده می‌شود، اگر این تحلیل، مانند هر تحلیل دیگری از ریسک، به عنوان یک ارزیابی ایستا از آسیب‌پذیری جرم سازمان یافته دیده نشود ارزش ابزاری آن افزایش می‌یابد، اما در عوض تحلیل به طور منظم انجام می‌شود و بنابراین میزان ریسک را می‌توان در یک تحلیل به سبک تناوب زمانی بررسی نمود. بدین ترتیب می‌توان به سنجشی از اثرات معرفی مقررات و روش‌های جدید، نه به لحاظ یک ارزیابی خروجی علمی، اجتماعی و سنتی بلکه به لحاظ اثراتی که بر ویژگی‌ها و ساختارهای بازار می‌گذارد و اثرات پیش‌بینی شده این تغییرات بر فرصت‌های جرم سازمان یافته، دست یافت.

۳- شاخص‌های عرضه

۳-۱- دسترسی پذیری عینی محصول یا خدمات

عتیقه‌جات به‌طور نسبی کالای کمیابی هستند، به‌خصوص در انتها[ی زنجیره عرضه و تقاضا] و این نکته منجر به گرانی این کالاها می‌گردد. علی‌رغم کمیاب بودن، این کالاها تقریباً به‌راحتی برای هرکس که در جستجوی آنهاست، قابل دسترسی است و حفاظت پایین یا حتی عدم حفاظت در مکان‌های باستانی، به این معناست که اغلب تنها عامل بازدارنده برای کسانی که به داشتن عتیقه‌جات علاقه دارند وجدان یا بی‌میلی آنها به قانون شکنی است. واضح است که این کنترل‌های درونی روان‌شناختی کافی نبوده‌اند.

۳-۲- سهولت انتقال / فروش

در برخی موارد عتیقه‌جات کوچک و بنابراین نسبتاً قابل حمل هستند. این امر باعث می‌شود که از لحاظ ریسک سرقت کالای جذابی باشند زیرا به نسبت دیگر کالاها و نسبت به وزن خود ارزش اقتصادی بسیار بالایی دارند. البته عتیقه‌جاتی هم هستند که اندازه خیلی بزرگی دارند و در نتیجه قابل حمل نیستند. هرچند آنها می‌توانند برای تبدیل شدن به بخش‌های نسبتاً قابل حمل که همچنان مستقلاً ارزش بالایی دارند، قطعه‌قطعه شوند، مانند سرهایی که از مجسمه جدا شده‌اند یا پیکرها یا نقوشی که از دیواره معابد تراشیده شده‌اند. در مواقعی که ریسک جابه‌جایی آثار هنری بسیار بزرگ قابل قبول است، مکانیزم‌های حمل‌ونقل امروزی همراه با تخلف مقامات محلی و یا منطقه‌ای گاهی اوقات می‌تواند این عمل را میسر سازد. عوامل زیاد دیگری به آسان‌سازی حمل‌ونقل و فروش عتیقه‌جات کمک می‌کنند، از جمله ارتباط ناکافی کنترل‌های مربوط به صادرات در کشورهای منبع با کنترل‌های مربوط به واردات در کشورهای بازار [مصرف‌کننده] و فرهنگ ناخوشایند بازار که در زمان خرید یک اثر هنری برای گرفتن اطلاعات دقیق صریح و قابل اعتمادی از منشأ آن شیء پافشاری نمی‌شود. برخلاف دیگر کالاهای قاچاق مانند مواد مخدر، قاچاقچیان عتیقه‌جات یک ساختار پابرجا برای فروش چنین کالاهایی در کشورهای بازار پیدا می‌کنند که از طریق زنجیره‌های معامله‌گران و محل‌های مزایده، در بالا بردن قیمتی که می‌تواند برای آثار هنری و عتیقه به‌دست آید، به‌طور مؤثر عمل می‌کند.

۴- شاخص‌های مقررات

۴-۱- سهولت ورود به بازار از طریق مقررات و مهارت‌های مربوطه

در بسیاری از کشورها برای معامله عتیقه‌جات الزامی به گرفتن مجوز معامله نیست. در این خصوص بالاترین الزامی که بیشتر کشورها مقرر می‌کنند، الزام به درخواست یک مجوز کلی معامله‌گری اجناس دست دوم است که کسب آن شرایط خاصی ندارد. ماهیت خصوصی داشتن بسیاری از معاملات بدین معناست که حتی از شرایط داشتن این نوع مجوز می‌توان به‌سادگی طفره رفت و ارزش بالا - حجم کم اشیاء و این واقعیت که این اشیاء نیاز به شرایط نگهداری خاصی ندارند به این معناست که افراد معمولی می‌توانند خود را به‌عنوان معامله‌گرانی بدانند که کار خانگی دارند. در نتیجه هزینه‌ها پایین می‌آیند که این قضیه موانع ورود به بازار را کاهش می‌دهد. مرتبط‌ترین مهارت مورد نیاز برای داشتن عملکرد سودبخش در بازار عتیقه‌جات، داشتن اطلاعات کافی در مورد اشیاء مورد بحث است تا بتوان اشیاء تقلبی را شناسایی کرد و اینکه اشیاء را بدون برانگیختن شک روانه بازار نمود (یعنی شباهت بیش‌ازحد به یک مجرم)؛ بنابراین با وجودی که موانع قابل‌بحثی در مورد راه‌های ورود به بازار وجود دارد، گذر از هیچ‌یک از آنها دشوار نیست.

۴-۲- ظرفیت اجرایی و کارآمدی قانون

ظرفیت اجرایی قانون در هر دو کشور منبع و بازار به‌طور کلی پایین است، زیرا نیروی انتظامی و دیگر منابع پرمشغله‌اند و سرقت عتیقه‌جات و قاچاق احتمالاً در سایه تهدیدات جنایی دیگر که سنگین‌تر شناخته می‌شوند، مخفی شده است. کارآمدی قانون از کشوری تا کشوری دیگر متفاوت است. در بهترین حالت کشورها یک واحد اجرایی ملی برای آثار هنری و عتیقه‌جات دارند و متخصصین ویژه درون‌مرزی را به آن اختصاص داده‌اند. حتی در این موارد نیز مسئله کارآمدی، در سایه مسائل مربوط به ظرفیت اجرایی قانون مخفی می‌شود و فرهنگ پنهان کاری در معاملات به همراه شأن نسبتاً بالای معامله‌گران، به‌علاوه ضعیف بودن احتمال چک شدن محموله‌ها به‌طور فیزیکی از طریق گمرک، به هم می‌پیوندند و در نتیجه بیشتر عتیقه‌جات در حمل‌ونقل و در بازار، مشمول بررسی گسترده اجرای قانون نخواهند بود.

۴-۳- سطح فساد دولت محلی

بازار بین‌المللی عتیقه‌جات در عملکرد خود گرایش به گرفتن اشیاء از کشورهای فقیر و رساندن آنها به کشورهای غنی دارد. مشکلات فساد می‌تواند در همه سطوح حضور داشته باشد، اما به نظر می‌رسد این مشکلات در کشورهای فقیر به‌طور گسترده‌تر مشاهده می‌شود. کشورهایی که در آن عوامل اقتصادی از فرهنگ رشوه‌خواری حمایت می‌کند و نسبتاً هم‌ریشه‌دار شده است.

۵- شاخص‌های رقابت

۵-۱- تاریخچه جرم سازمان‌یافته در بازار

به نظر می‌رسد که برگزاری کنفرانس بین‌المللی جرایم سازمان‌یافته در آثار هنری و عتیقه‌جات (در سال ۲۰۰۸)، شاهدی بر وجود نگرانی‌های بین‌المللی در مورد این جرایم باشد، هرچند به نظر می‌رسد تحقیقات بیشتری برای شناسایی دقیق گستره‌ای که در آن جرم سازمان‌یافته در بازار عمل می‌کند، نیاز است - که غیرمعمول هم نیست.

۵-۲- سودآوری

همان‌گونه که در بالا در قسمت «قابلیت حمل» اشاره شد، عتیقه‌جات می‌توانند یک کالای بسیار سودآور باشند، به‌خصوص زمانی که از منبعی با قیمت پایین یا بدون هیچ هزینه‌ای به‌دست آمده باشند.

۵-۳- آسیب

مشخص نیست که تحلیل آسیب چگونه می‌تواند حساسیت بازار نسبت به جرم سازمان‌یافته را افزایش دهد، مگر آنکه قائل باشیم که جرم سازمان‌یافته علی‌القاعده آسیب وارد می‌کند و در نتیجه اگر فعالیت مشخصی منجر به بروز آسیبی نگردد، بعید است که بتوان آن فعالیت را در تعریف جرم سازمان‌یافته گنجانند. به‌هرحال، باتوجه‌به مباحث باستان‌شناسی در مورد سرقت مشخص است که این فعالیت‌ها آسیب اساسی به مکان‌ها، به اشیاء و به مینای دانش تاریخی ما می‌زند و بنابراین تازمانی که آسیب، شاخصی از آسیب‌پذیری اجزای بازار باشد، در موضوع حاضر محقق شده است.

۶- شاخص‌های تقاضا

۶-۱- تقاضای فعلی مشتری برای محصول

طی مصاحبه‌های انجام‌شده با معامله‌گران، آنها چندین مورد را درباره تقاضای مشتری اظهار کرده‌اند. آنها اشاره کرده‌اند که حجم معاملات و میزان فعالیت بازار کم شده است. البته به نظر می‌رسد که چنین اظهاری با هدف منحرف کردن توجه از فعالیت‌هایشان باشد، زیرا مقامات رسمی در حوزه تجارت خلاف این نظر را دارند. علاوه بر این بحث که بازار در حال تحلیل رفتن است که باور آن دشوار است، آنها اذعان دارند که ماهیت تقاضای مشتری در حال تغییر است. این ادعا قابل‌پذیرش است. معامله‌گران گزارش می‌دهند که مجموعه‌داران خبره که به تاریخ هنر و یادگیری در مورد اشیائی که خریداری می‌کنند، علاقه دارند، به طور روبه‌رشدی جایگزین خریداران قدیمی ثروتمندی هستند که اشیاء را برای اهداف سرمایه‌گذاری احتکارآمیز یا به‌عنوان نشانه‌های فرهنگی (در مفهوم گچ‌بری‌هایی که نماد ثروت و شأن هستند) یا هر دو خریداری می‌کنند. گفته می‌شود که خریداران دسته دوم توجه زیادی به تاریخچه شیء یا موقعیت آن در تاریخ کلی هنر ندارند. به‌جای اینکه معامله‌گران به مشتریان خود در طول زمان آموزش دهند و علاوه بر مالکیت عطشی را برای دانش ایجاد کنند، در مورد حاضر نیز همانند موارد دیگر نقش معامله‌گری عملاً بیشتر مشتری‌محور شده است، یعنی صرفاً رساندن اشیاء جذاب به خریداران ثروتمند اما کم‌اطلاع. پس تقاضا تغییری نمی‌کند، ولو اینکه تغییر جمعیت مطابق با تغییر زمانه باشد (و باید پیامدهای این موضوع را برای مقررات در نظر داشت).

۶-۲- ماهیت تقاضا - انعطاف‌پذیر یا انعطاف‌ناپذیر

انعطاف‌پذیری بالا دلالت بر بازاری دارد که وقتی در آن قیمت کالا بالا می‌رود، تقاضا به‌طور نامتناسبی پایین می‌آید. اگر افزایش قیمت درجه تقاضا را پایین نیاورد، یعنی انعطاف‌پذیری بازار کم است. اگر با وجود افزایش قیمت تقاضا تغییری نکند، تقاضا انعطاف‌ناپذیر است. اگر انعطاف‌پذیری یک بازار پایین باشد، آن بازار آسیب‌پذیرتر یا به‌عبارت‌دیگر مکان مناسبی برای جرایم سازمان‌یافته خواهد بود. احتمال بیشتری وجود دارد که این موضوع در بازارهایی که با اعتیاد توصیف می‌شوند، قابل‌ملاحظه باشد، یعنی درجایی که مشتریان در موقعیت مناسبی برای گرفتن تصمیمات منطقی جهت کاهش تقاضای خود نیستند. همچنین این موضوع

می‌تواند ویژگی بازارهایی باشد که سرمایه بالایی در سمت تقاضاست: در بازارهای مواد مخدر ممکن است افزایش قیمت‌ها در واکنش به افزایش سرقت توسط مصرف‌کنندگان جهت جبران مالی باشد؛ اما در بازارهایی که مشتریان پول بیشتری در دسترس دارند، ممکن است به‌سادگی آماده پرداخت پول بیشتری باشند. به‌منظور شناسایی سطح انعطاف‌پذیری در تقاضا باید یک تحلیل اقتصادی از تاریخچه سیر تکاملی قیمت‌ها در بازار عتیقه‌جات انجام شود؛ اما حتی بدون انجام این کار می‌توان مشاهده نمود که جمع‌آوری عتیقه‌جات توسط افراد ثروتمند انجام می‌شود و این کار شامل نوع خاصی از شیفتگی یا علاقه مفراطی می‌شود که می‌تواند باعث وابستگی گردد. درواقع یک تشخیص دقیق کلی از وضعیت کنونی بازار عتیقه‌جات این است که بازار توسط خریدارانی هدایت شده و می‌شود که اشیاء را به هر قیمتی می‌خواهند و بنابراین چشم خود را بر روی موارد مشکوک سرقت می‌بندند، درحالی‌که اگر آن اشیاء بررسی می‌شدند احتمالاً غیرقانونی بودن آنها در یک خرید برنامه‌ریزی‌شده به‌راحتی فاش می‌شد. به‌بیان‌دیگر، این بازار بازاری است که توسط بی‌میلی آگاهانه به دانستن توصیف می‌شود، یا در یک کلمه؛ انکار.^{۲۳} حتی درموردی که اصول اخلاقی مانع دستیابی یک موزه به یک شیء می‌شود، این تصمیم همراه با احساس پشیمانی خواهد بود.

بنابراین بر اساس هر ابزاری که میزان آسیب‌پذیری اجزای بازار را اندازه‌گیری نماید، بازار عتیقه‌جات به‌عنوان نهادی پدیدار می‌شود که از طرق مجرمانه فرصت‌های سودآوری ارائه می‌دهد. برای کاهش بعضی از این فرصت‌ها چه می‌توان کرد؟ وقتی بازارهای مجرمانه درموردی مانند مورد بازار عتیقه‌جات با تعاملی میان امر قانونی و غیرقانونی روبه‌رو می‌شوند، عموماً عقیده بر این است که تمرکز بر روی این تعامل به‌عنوان یک ابزار فعال‌سازی امور قانونی جهت انجام اقداماتی برای عایق‌بندی بازار و کاهش فرصت‌های جرایم سازمان‌یافته، سودمند است.

وندبانت و وندراسکوت سه دسته «تعامل» بین گروه‌های جرم سازمان‌یافته و محیط قانونی شناسایی کرده‌اند:

- تقاضا از سمت محیط قانونی برای محصولات و خدمات غیرقانونی؛
- سوءاستفاده از تسهیلمان در محیط قانونی؛ و

23. S. Cohen, *States of Denial: Knowing about Atrocities and Suffering* (Cambridge: Polity Department for Culture Media and Sport, 2001).

• دسترسی به «ابزارها» در محیط قانونی.^{۲۴}

این سه دسته که وندبانت و وندراسکوت آنها را «پرچم‌های سرخ» می‌نامند، منجر به بروز سه نوع پاسخ مرتبط به پیشگیری از جرم می‌گردند:

۱. کاهش تقاضا برای محصولات و خدمات غیرقانونی: به‌طور مثال از طریق اقدامات اقتصادی و اجتماعی؛

۲. افزایش آگاهی درمورد سوءاستفاده از تسهیلمان و اقداماتی برای قابلیت دفاع آنها: به‌طور مثال قوانین رفتاری، نظارت بر پرسنل و لزوم اخذ مجوز که مجرمان را از انجام معاملات مشخص یا شرکت در مناقصه برای قراردادهای عمومی منع می‌کند؛

۳. کاهش دسترسی به ابزارها در محیط قانونی که می‌توانند مورد استفاده مجرمان سازمان‌یافته قرار گیرند: به‌طور مثال با وضع قوانین قوی پولشویی همراه با مقررات مکانیزم‌های جایگزین انتقال پول که بدون وضع قانون، ممکن است از آنها برای دور زدن قوانین استفاده شوند.

مطالعه‌ای درمورد بازار عتیقه‌جات، تعامل میان امر قانونی و غیرقانونی را به‌عنوان مهم‌ترین امر در امکان سود بردن جرایم سازمان‌یافته در بازار، معرفی می‌کند. ماهیت بازار خاکستری تجارت عتیقه‌جات، درجایی که اشیاء غیرقانونی به‌طور مؤثر با قرار گرفتن در جریان‌های قانونی عرضه پولشویی می‌شوند، به آنها این امکان را می‌دهد که با قیمت‌های بالا به فروش برسند درحالی که اگر غیرقانونی بودن آنها مشخص بود با این قیمت به فروش نمی‌رفتند. مبهم بودن منشأ در زنجیره‌های عرضه عتیقه‌جات به هر سه دسته «پرچم‌های سرخ» مربوط است. ابهام باعث می‌شود که تقاضا برای اشیاء قاچاق، حتی در بین کسانی که نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بدانند که اشیاء مسروقه هستند، باقی بماند. این امر از تسهیلمان گرفته تا شریکان عمل از جمله خود معامله‌گران را دربرمی‌گیرد. در پژوهش دیگری که درباره فعالیت‌های مجرمان سازمان‌یافته صورت گرفته، این نتیجه حاصل شده است که حرفه‌ای‌هایی به‌طور معمول یافت می‌شوند که به‌عنوان تسهیل‌گر عمل می‌کنند. این افراد غالباً وکلا و حسابدارانی هستند که شرکت‌های صوری تأسیس می‌کنند یا به پولشویی کمک می‌کنند. تسهیلمان تجارت عتیقه‌جات مجموعه‌ای از فعالان هستند که خدمات مختلفی ارائه می‌کنند، به‌طور مثال مقامات گمرک، ارزیابان، معامله‌گران، موزه‌ها و حتی

24. Van De Bunt and Van Der Schoot, op.cit.

دانشگاهی^{۲۵} که ممکن است در موارد استثنائی رشوه دریافت کنند؛ اما بازار غیرقانونی را تسهیل می‌کنند زیرا بسیاری از آنها به‌طور معمول از قدرتی که برای جلوگیری از آن دارند، استفاده نمی‌نمایند. این فرایند، متشکل از «ابزارهای» مختلف مشروعیت‌بخشی است که در دسترس مجرمان قرار دارد، از جمله اسناد تقلبی، مکانیزم‌های مزایده، جابه‌جایی میان حوزه‌های قضایی متعدد و غیره.

۷- رویکرد کاهش بازار جهت مقابله با سرقت

سه نوع اقدام پیشگیرانه و کاهنده جرم که توسط وندبانت و وندراسکوت پیشنهاد شده است، می‌توانند برای اندیشیدن به رویکردهای پیشگیرانه جرم سازمان‌یافته در بازار عتیقه‌جات مفید باشند، اما در این بازار همه راه‌ها به یک مقصد ختم می‌شود، به این معنا که انجام هر یک از اقدامات کاهنده جرم مشروط به این است که خریداران عتیقه‌جات ملزم گردند نه تنها برای رد کردن عتیقه‌جات مسروقه بلکه برای گزارش دادن موارد مشکوک به پلیس در زمان برخورد با آنها، به مبدأ کالاهای خریداری‌شده توسط آنها توجه کنند. راه‌هایی برای ایجاد تغییر در نگرش و رفتارهای معمول موجود در این بازار وجود دارد.

در این زمینه، برداشت معامله‌گران از ظهور نوع جدید مشتریان - یعنی کسانی که «هنر برای موقعیت» را به «هنر برای خرید توسط کلکسیونرها» ترجیح می‌دهند - می‌تواند به شکل خوش‌بینانه و همچنین بدبینانه خوانده شود. به نظر می‌رسد خریداران جدید نه تنها چندان نگران مسائلی همچون پیشینه شیء نیستند؛ حتی آموزش اهمیت منشأ به آنها امر دشواری است. البته در واقعیت، آن نوع کلکسیونرهایی که به سبک مورخان سابق هنر، آثار هنری را جمع‌آوری می‌کردند و معامله‌گران افسوس از دست دادن این دسته از مشتریان را می‌خوردند، نیز چندان بی‌میل به جمع‌آوری اشیاء مسروقه ارائه نبوده‌اند. همچنان که بازار عتیقه‌جات به‌طور فزاینده‌ای از اشیاء مسروقه پر می‌شود، در واقع این امکان وجود دارد که از طریق کمپین‌های آموزش عمومی که به سمت خریدار غیرمتعهد معطوف شده‌اند، فرصتی برای رویارویی با چهره مدرن تجارت عتیقه‌جات به‌وجود آید. چه بسا چنین خریداری پس از دریافت آموزش، توجهش را به‌سادگی به دیگر اشیاء لوکسی متمایل کند که تهیه آنها مشکلات کمتری را به همراه خواهد داشت.

25. N. Brodie, *Consensual Relations? Academic Involvement in the Illegal Trade in Ancient Manuscripts* (Oxford: Criminology and Archaeology, 2009).

در تفسیر اخیر پنی گرین و من از قانون مصوب ۲۰۰۳ انگلستان، استدلال کرده‌ایم که یک روش سازنده برای درگیر نمودن حوزه جرم‌انگاری با بازار عتیقه‌جات، استفاده از چهارچوب مفهومی رویکرد کاهش بازار است. فایده این چهارچوب در عمل مقابله با دیگر بازارهای اشیاء مسروقه اثبات شده است. ژاکلین اشنایدر، یکی از اولین طرفداران رویکرد کاهش بازار، به همراه مایک ساتون، اخیراً مقاله‌ای منتشر کرده است که در آن با تمرکز بر بازار غیرقانونی حیات‌وحش، پتانسیل رویکرد کاهش بازار را بررسی کرده است تا آن را در مورد بازارهای کالاهایی به کار گیرد که از بازار داخلی کالاهای مسروقه جذاب‌تر هستند. او متذکر می‌شود که قبلاً در کنگره جرم سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد داده بود که رویکرد کاهش بازار می‌تواند در مقابله با بازارهای املاک مفید باشد. این بازارها مورد توجه کنوانسیون سازمان ملل در مورد جرایم سازمان‌یافته و فراملی بوده و شامل حیات‌وحش، اسلحه و مهمات، انسان‌ها و اعضای بدن و میراث فرهنگی می‌گردد.^{۲۶} رویکرد کاهش بازار برای کاهش تقاضا، هم روش‌های کلی برای کاهش بازار و هم توصیه‌های کاربردی برای ابزار اجرای قانون ارائه می‌دهد تا نقاط مهم در زنجیره عرضه را مورد هدف قرار دهد. همچنین بایستی اذعان نمود که رویکرد کاهش بازار، فلسفه کاهش آسیب و همچنین اقدامات مداخله‌ای کیفری را که معروف‌تر است، دربرمی‌گیرد.

رویکرد کاهش بازار «یک چهارچوب معمول، استراتژیک و نظام‌مند برای اقدام عملی علیه ریشه‌های سرقت» است که رهنمودهایی برای «مشارکت درون‌سازمانی با هدف مقابله با بازار اشیای مسروقه» ارائه می‌دهد.^{۲۷} تئوری کلی رویکرد کاهش بازار این است که تقاضا بر عرضه تأثیر می‌گذارد، به عبارت دیگر کاهش معامله اشیای مسروقه، انگیزه سرقت را کاهش می‌دهد. روشی که رویکرد کاهش بازار سعی می‌کند با آن معاملات را کاهش دهد به صورت زیر است:

- القاء کردن تدریجی این موضوع به سارقان که در درجه اول، انتقال دادن، انبار کردن و فروش اشیاء مسروقه حداقل به اندازه سرقت آنها خطرناک است؛
- افزایش ریسک خرید، معامله و استفاده کردن از اشیای مسروقه به میزان قابل توجه برای همه اشخاص درگیر.^{۲۸}

26. J.L. Schneider, "Reducing the Illicit Trade in Endangered Wildlife: The Market Reduction Approach," *Journal of Contemporary Criminal Justice* (2008): 274-95.

27. Sutton and Others, op.cit.

28. Ibid.

به‌نظر می‌رسد این روش که رویکرد کاهش بازار آن را «پرتاب ریسک» می‌نامد، امید تعداد زیادی از مفسران را برای تأثیرگذاری قانون مصوب ۲۰۰۳ در انگلستان، به‌خوبی ابراز می‌کند، هرچند همان‌گونه که متوجه شده‌ایم در عمل این امیدها را برآورده نکرده است. روش افزایش ریسک برای افراد در زنجیره عرضه که توسط رویکرد کاهش بازار ارائه شده است، به‌طور خاص مخالف بحث کنونی ماست زیرا به‌صراحت به‌دنبال رویارویی با تسهیل‌گران جرم است، مانند تاجرانی که اشیاء مسروقه را خریداری می‌کنند.^{۲۹} یکی از روش‌هایی که این رویکرد برای موردِ خطاب قرار دادن تسهیل‌گران پیشنهاد می‌کند، عبارت است از: اجرای مقررات محلی که تاجران را ملزم به داشتن مدرک شناسایی و نگهداری لیست نام و نشانی افرادی که به آنها کالای دست دوم می‌فروشند، می‌کند؛ استفاده از فروش آزمایشی به‌منظور بررسی اینکه آیا خریدوفروش‌ها مطابق با مجموعه قوانین عملی جدید هست یا نه؛ و به‌کارگیری حمایت درون‌سازمانی برای سرکوب هر بی‌قانونی ارتكابی توسط مشاغلی که با کالاهای دست دوم سروکار دارند، همچنین استفاده از کمپین‌های رسانه‌ای برای کمک به تشریح شفاف اینکه چه تجارتی قابل قبول است یا نیست، دستگیری معامله‌گران اموال دزدی و بالا بردن آگاهی درمورد عواقب دستگیر شدن در هنگام معامله اشیاء مسروقه و اختصاص دادن خطوط تلفن برای گزارش معاملات قاچاق توسط افراد.^{۳۰}

یکی از یافته‌های کلیدی مطالعات که منجر به توسعه رویکرد کاهش بازار شد، این بود که سارقان و معامله‌گران اموال دزدی هنگام فروش اشیاء مسروقه ترس کمی از دستگیری داشتند، به این دلیل که برداشت (به‌طور کلی کاملاً دقیق) آنها این بود که ممکن نیست کسی در زنجیره عرضه عمل آنها را گزارش دهد، حتی غریبه‌هایی که به آنها پیشنهاد خرید می‌دادند. آنها همچنین موارد اندکی را مشاهده کرده بودند که افراد به‌خاطر فروش اشیاء مسروقه دستگیر شده باشند. همین امر باعث احساس امنیت آنها می‌شد. این موارد شباهت‌های زیادی به بازار عتیقه‌جات دارند و به‌نظر می‌رسد که این موارد، مزایای قابل‌انتقالی به مدل رویکرد کاهش بازار هستند که در آن به‌طور متناوب شاهد سخت‌گیری‌های مربوط به اجرای قانون و پس از آن دوره‌های تثبیت هستیم، یعنی درجایی که پیشرفت موردبررسی واقع می‌شود و استراتژی‌های آموزشی جایگزین و دیگر استراتژی‌های کاهش بازار به‌کار گرفته می‌شوند.

29. Ibid.

30. Ibid.

دیگر استراتژی‌های کاهش بازار، به ویژگی کاهش آسیب رویکرد کاهش بازار مربوط می‌شوند که سعی در ایجاد بستری دارد که در آن اثرات بازدارنده مراحل سخت‌گیرانه فروکش کنند. این بستر شامل موارد زیر می‌شود: حمایت از بازارهای قانونی و تشویق مشتریان و تسهیل‌گران برای فعالیت در آن بازارها و از بین بردن پایگاه مشتریان و معامله‌گرانی که تمایل به پذیرفتن پیشنهادهای قاچاق هستند، از طریق افزایش جذابیت معاملات قانونی. برای پیاده کردن این موضوع در بازار عتیقه‌جات، نیاز به تمرکز بر روش‌های حمایت از بازار قانونی در به گردش درآوردن دوباره کالاها (برخلاف اشیاء مسروقه) با هدف جذاب‌تر کردن معامله چنین کالاهایی است. درحال حاضر اکتشافات جدید بازار را به هیجان می‌اندازد. این اکتشافات اشیائی را به گردش مجدد درمی‌آورد که توسط معامله‌گران، به‌عنوان مواردی راکد و دست دوم توصیف شده است. این یک طرز برخورد عمیقاً ریشه‌دار در بازار است، اما می‌توان راه‌هایی را برای تلاش در تغییر طرز برخورد معامله‌گران موردتوجه قرار داد، همان‌طور که راه‌های تغییر طرز برخورد عموم را مدنظر داشته‌ایم. ضمانت‌اجراهای قانونی جدی برای معامله اشیاء مسروقه می‌تواند تا حدی هدف ما را تأمین نماید، اما مانند ترس از دستگیر شدن، باید تعهدی از سوی معامله‌گران وجود داشته باشد تا برای اقدام به ریشه‌کن کردن اشیاء مسروقه از بازار تلاش کنند، اما این تعهد درحال حاضر وجود ندارد. بیشتر معامله‌گران در مطالعه سال ۲۰۰۵ گفتند که آنها سرقت را به‌طور کلی ناپسند می‌دانند (بعضی‌ها این عقیده را نداشتند)، اما همچنان تمایل به خرید چنین اشیائی داشتند، زیرا آن اشیاء را به پیشینه‌های مختلف اما ثابت‌نشده‌ای نسبت می‌دادند؛ مانند پیدا شدن تصادفی یا اشیائی که اگر بازار نبود از بین می‌رفتند. اگر بخواهیم واقعاً طرز برخورد بازار را تغییر دهیم باید با این‌گونه داستان‌ها درگیر شویم و این نوع رویکرد مباحثه و فرهنگ‌محور می‌تواند از بازدارندگی به سبک رویکرد کاهش بازار، جهت خطاب قرار دادن مسئله «تسهیلگری» حمایت کند که درحال حاضر ویژگی اصلی بازار است.

نتیجه: پاکسازی تجارت عتیقه‌جات و جلوگیری از فرصت‌های جرم

سازمان یافته: به‌سوی پاسخ‌های سیاسی سازنده

پژوهش ما درباره قانون مصوب ۲۰۰۳ مشخص کرد که به‌نظر بعضی از برجسته‌ترین و موفق‌ترین معامله‌گران بازار، معامله غیرقانونی آثار هنری مسروقه برای فعالیت بازار، حیاتی است. این فعالان بازار پاکسازی فعالیت‌های بازار را با سقوط اجتناب‌ناپذیر آن برابر می‌دانند.

معامله‌گران و متصدیان موزه‌ها به ما گزارش دادند که در ارتباط با معامله عتیقه‌جات «اگر شروع به پرسیدن تمام سؤالات کنی انجام قانونی این معاملات در حال حاضر تقریباً غیرممکن است» و همچنین محدود کردن خود، تنها به معامله اشیائی که مجدداً به گردش درآمده‌اند و عدم معامله با اشیاء مسروقه جدید، «خودکشی حرفه‌ای» محسوب می‌شود.

بنابراین بازار عتیقه‌جات در یک دردسر جدی گرفتار شده است. در برخی مواقع قبول می‌کند که به میزان قابل توجهی برای تغذیه خود، وابسته به سرقت است، در حالی که هنوز تلاش می‌کند تا از سرقت، تصویری بسازد که گویی فعالیت بی‌خطر از خوش‌شانسی کشاورزان محلی یا عملی است که منجر به حفاظت از آثار هنری در برابر پروژه‌های عمرانی در کشورهای منبع مانند جاده‌سازی می‌گردد. این بازار همچنین با مقداری آگاهی یا حداقل ترس شایعه‌محور، این نکته را در خود دارد که خرید عتیقه‌جات در بازار سوخت فعالیت جرم سازمان‌یافته را تأمین می‌کند.

از قضا، شاید مسئله این است که تمرکز اخیر بر فعالیت‌های گروه‌های جرم سازمان‌یافته در بازار عتیقه‌جات، باعث ترغیب دولت‌های ملی در کشورهای بازار [مصرف‌کننده] مانند انگلستان، برای جدی گرفتن مسئله عتیقه‌جات مسروقه می‌شود. در این خصوص، به نظر می‌رسد که اگر دست‌اندرکاران بازار عتیقه‌جات بخواهند به‌طور جدی استدلال کنند که در سرقت شریک نیستند، بایستی ابزاری مورد استفاده قرار گیرد که توسط پژوهش جمعی تعدادی از مفسران، ضروری نامیده شده. به نظر می‌رسد این ابزار از همان نوع ابزارهایی است که برای به‌دست آوردن یک تأثیر کلی کاهنده جرم به کار گرفته می‌شوند؛ از جمله برای جرم سازمان‌یافته در این بازار. برای همه کشورها، حفاظت از عتیقه‌جات در منبع همیشه کار مشکلی بوده است، به‌خصوص در کشورهایی که مشکلات جدی در مورد مقررات نظارتی وجود دارد. زمانی که این تفکر ایجاد می‌شود که گروه‌های سازمان‌یافته مجرمانه در حال ارتکاب سرقت هستند، مشکلات ناشی از نظارت بر اماکن خارج از شهر پیچیده می‌شوند. حتی کشورهایی که سیاست آنها به‌شدت جرم‌محور است و مکان‌هایی که در آنها منابع بسیار زیادی به اداره کردن و حفظ امنیت اختصاص داده می‌شود، مانند انگلستان، همچنان گزارش‌های مربوط به دسته‌های خشونت‌آمیز سرقت سازمان‌یافته در مکان‌های باستانی و ارباب محلیان مشاهده می‌شود. البته حائز اهمیت است که اقداماتی برای دستگیری این مجرمان انجام شود، اما در طولانی‌مدت تجارت عتیقه‌جات به شکل فعلی‌اش ذاتاً مشکل‌ساز

است و دستگیری اشخاص کلیدی در یک گروه مجرمانه سازمان یافته، تنش موجود در بازار را که منجر به آسیب پذیری اش می شود، از بین نمی برد.

درجایی که گمان می رود سرقتی در کار است، هر اقدامی که در واقع بتواند به کاهش جذب فرصت های خرید در بازار دست یابد، انگیزه مالی برای سرقت و قاچاق را کاهش و در نتیجه جذابیت های بازار برای ارتکاب جرم سازمان یافته را کاهش می دهد. بعید است که افزودن این متمم به رویکرد اثر معکوس بگذارد، اما به هیچ وجه مشخص نیست که اقدامات هدفمند در مقابل مجرمان سازمان یافته در بازار بتوانند اساساً بر مکانیزم های کلیدی و گردانندگان بازار اثر بگذارند. هرچند ممکن است گروه های سازمان یافته مجرمانه در بازار عتیقه جات در حال عمل باشند، اما آنها جزء ضروری بازار نیستند و حتی اگر حذف شوند همچنان شاهد سرقت اشیاء و انتقال آنها به بازار خواهیم بود؛ بنابراین منطقی به نظر می رسد که در این مورد، همانند موارد متعدد دیگر، استدلال کنیم که در نظام های سازمانی که به دلیل سودآوری ذاتی شان و سهولت دور زدن مقررات آنها، گروه ها و شبکه های جرم سازمان یافته را جذب می کنند، تمرکز اصلی در رویکرد باید بر مخاطب قرار دادن آن نیروها و مکانیزم های بازار باشد که امکان یک تجارت جهانی در عتیقه جات قاچاق را ایجاد و حفظ می کند. به بیان دیگر، برای بازگشت به نقطه شروع مقاله، مناسب است که تجارت عتیقه جات قاچاق، به جهاتی تماماً یک سازمان مجرمانه سازمان یافته است [که به پیش بینی مقررات و کنترل نیاز دارد] به جای اینکه ابتدائاً حضور مجرمان سازمان یافته، خشن و جدی را به عنوان کسانی دید که بخشی از این زنجیره سودآور را شکل می دهند (که البته بخشی از بسیاری قسمت های دیگر بازار را نیز شکل می دهند، اما نقش تعریف کننده اساس نظام را بیشتر از آنچه در قسمت های دیگر دارند، ندارند).

فهرست منابع

Albanese, J.S. "Risk Assessment in Organized Crime: Developing a Market and Product-based Model to Determine Threat Levels." *Journal of Contemporary Criminal Justice* 24(3) (2008): 263-273.

Albanese, J.S. *Predicting the Incidence of Organized Crime: A Preliminary Model*. New York: Criminal Justice Press, 1987.

Albanese, J.S. *Where Organized and White-collar Crime Meet: Predicting the Infiltration of Legitimate Business*. New York: Criminal Justice Press, 1995.

Bowman, B.A. "Transnational Crimes against Culture: Looting at Archaeological Sites and the 'Grey' Market in Antiquities." *Journal of Contemporary Criminal Justice* (2008).

Brodie, N. *Consensual Relations? Academic Involvement in the Illegal Trade in Ancient Manuscripts*. Oxford: Hart, 2009.

Brodie, N., Doole, and C. Renfrew. *Trade in Illicit Antiquities: The Destruction of the World's Archaeological Heritage*. Cambridge: McDonald Institute for Archaeological Research, 2001.

Cohen, L.E., and M. Felson. 588-608.

Cohen, S. *States of Denial: Knowing about Atrocities and Suffering*. Cambridge: Polity Department for Culture Media and Sport, 2001.

Felson, M. *Crime and Everyday Life*. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press, 1994.

Mackenzie, S. "Transnational Crime, Local Denial." *Social Justice* 34(2) (2007): 111-123.

Mackenzie, S. *Going, Going, Gone: Regulating the Market in Illicit Antiquities*. Leicester: Institute of Art and Law, 2005.

Mackenzie, S., and P. Green. *Criminalizing the Market in Illicit Antiquities: An Evaluation of the Dealing in Cultural Objects (Offences) Act 2003 in England and Wales*. Oxford: Hart, 2009.

McBarnet, D. "After Enron will 'Whiter than White Collar Crime' Still Wash?." *British Journal of Criminology* 46(6) (2006), DOI: 10.1093/bjc/azl068.

McBarnet, D. *When Compliance is Not the Solution but the Problem: from Changes in Law to Changes in Attitude*. Aldershot: Ashgate, 2003.

Murphy, J.D. *Plunder and Preservation: Cultural Property Law and Practice in the People's Republic of China*. Hong Kong: Oxford University Press, 1995.

Polk, K. *Controlling the Traffic in Illicit Antiquities: Are Criminal Sanctions Appropriate*. Geneva: Institute of Art & Law and Art-Law Centre, 2002.

Polk, K. *The Antiquities Trade Viewed as a Criminal Market*. Hong Kong Lawyer, September, 2000

Renfrew, C. *Loot, Legitimacy and Ownership: The Ethical Crisis in Archaeology*. Amsterdam: Joh. Enschede, 1999.

Schneider, J.L. "Reducing the Illicit Trade in Endangered Wildlife: The Market Reduction Approach." *Journal of Contemporary Criminal Justice* (2008).

Smith JR, D.C. "Paragons, Pariahs and Pirates: A Spectrum-based Theory of Enterprise." *Crime and Delinquency* (1980): 358-386, <https://doi.org/10.1177/001112878002600306>.

Sutton, M. *Handling Stolen Good & Theft: a Market Reduction Approach*. London: Home Office Research Study 178. Home Office, 1998.

Sutton, M., J. Schneider, and S. Hetherington. *Tackling Theft with the Market Reduction Approach*. London: Home Office, Crime Reduction Research Series Paper 8, 2001.

Van De Bunt, H.G. and Van Der Schoot. *Prevention of Organized Crime: A Situational Approach*. Den Haag: WODC, 2003.

Vander Beken, T. *Organized Crime and Vulnerability of Economic Sectors: The European Transport and Music Sector*. Antwerp: Maklu, 2005.

Vander Beken, T. *Risky Business: A Risk-based Methodology to Measure Organized Crime*. Crime, Law and Social Change, 2004

Vander Beken, T. *The European Pharmaceutical Sector and Crime Vulnerabilities*. Antwerp: Maklu, 2007.

Vander Beken, T. *The European Waste Industry and Crime Vulnerabilities*. Antwerp: Maklu. 2007.

Vander Beken, T., and M. Defruytier. *Methodological Tools for Assessing the Risk of Organized Crime*. Nijmegen: Wolf Legal Publishers, 2004.

Vander Beken, T., and S. Van Daele. "Legitimate Businesses and Crime Vulnerabilities." *International Journal of Social Economics* 35 (2008): 739-750.